

## شرح رساله الحقوق

ما در رساله حقوق امام سجاده (ع) رسیدیم به حق الرجل. آنجا اشاره کردیم که دو حق برای رجل وجود دارد، یک حق سلبی و یک حق ایجابی. در حق سلبی دو امر بیان شد:

اول: اینکه پا مرکب برای رفتن به سوی حرام نباشد.

دوم: اینکه پا مرکب برای رفتن به جایی که موجب استخفاف و اذلال انسان می‌شود نباشد. این هم روشن است، خداوند تبارک و تعالی انسان را از اینکه خودش را در معرض استخفاف و کوچک شدن و حقیر شدن قرار بدهد منع کرده است. در روایتی در کتاب اصول کافی بیان شده است که «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوَضَّ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلالَ نَفْسِهِ»<sup>۱</sup> خداوند تبارک و تعالی هر چیزی را به مومن تفویض کرده، اختیارش را در دست خودش قرار داده، مگر خوار کردن خودش را، ذلیل کردن خودش را، این را دیگر به مومن تفویض نکرده، یعنی ما حق نداریم خودمان را ذلیل کنیم. این دو حق سلبی.

اما در حق ایجابی نیز دو حق برای پا ذکر شد، «فَإِنَّهَا حَامِلَةٌكَ وَ سَأَلِكَهُ بِكَ مَسَلِكَ الدِّينِ وَالسَّبْقِ لَكَ»<sup>۲</sup> مرکب تو و حامل توست برای قرار گرفتن در راه دین و سبقت گرفتن دین؛ هم انسان در طریق باشد، از این پا برای طی طریق دین استفاده کند و هم سبقت این پا باید وسیله سبقت انسان به سوی دین و در کارهای دینی باشد.

به طور کلی گفتیم چگونگی به خدمت گرفتن پا در امور جایز و مشروع و حلال و یا امور حرام و نامشروع و ناروا متفاوت است. اینجا شاید بیشتر سخن در جایی است که مشی عین حرام باشد، ما را از آن منع کردند. یک جاهایی نیز مشی عین رجحان است، عین عمل راجح است.

### مشی، موضوع پاداش

شما ببینید در برخی روایات اساساً بر خود مشی، ثواب و پاداش و حسنه مترتب شده است، غیر از اصل کار که ارزش دارد و به عنوان حسنه‌ای که رجحان دارد از آن یاد شده، اما خود گام برداشتن برای برخی از امور موضوع پاداش و ثواب قرار گرفته است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «من مشی فی حاجة أخیه المسلم كتب الله له بكل خطوة یخطوها سبعین حسنةً ومحا عنه سبعین سیئةً إلى أن یرجع من حیث فارقه فإن قضت حاجته علی یدیه خرج من ذنوبه کیوم ولدته أمه، وإن هلك فیما بین ذلك دخل الجنة بغير حساب»<sup>۲</sup> کسی که در راه حاجت برادر مسلمان گام بردارد برای اینکه حاجت او را روا کند، خداوند برای هر قدم هفتاد حسنه ثبت می‌کند، «من مشی» ممکن است مشی اصطلاحی فقط منظور نباشد، بلکه کسی در خانه‌اش هم نشسته است اما پیگیر کار برادر مؤمن خود است لذا مشی فی حاجة أخیه المسلم بر آن چه بسا صدق کند. این فقط به این نیست که انسان راه برود، اگر کسی سوار ماشین شد و رفت برای رفع حاجت برادر دینی، مشمول این روایت نیست؟ چرا، بالاخره هر نوع حرکت در این راه، اگر قابل تبدیل به گام‌های کمی باشد، پاداش برایش ثابت است. ولی قدر متین همین مشی به رجل است، کسی که گام برمی‌دارد، از این پا استفاده می‌کند برای رفع نیاز یک برادر مسلمان، خداوند برای هر گامی که بر می‌دارد هفتاد حسنه مقرر کرده است و هفتاد سیئه را از او محو می‌کند، هفتاد گناه را از او بر می‌دارد، تا آن کار به انجام برسد، هر گامش این آثار را دارد، هرچه این قدم بردارد برای این

<sup>۱</sup> اصول کافی، ج ۵، ص ۶۳، ح ۳.

<sup>۲</sup> کنز العمال، ج ۶، ص ۴۴۷.

کار، شما حساب کنید چه قدر ارزش پیدا می‌کند. بعد اضافه می‌کنند اگر این شخص توانست حاجت برادر مومن خودش را بر آورده کند، مثل کسی است که از مادر متولد شده است، مثل روزی است که مادر او را به دنیا آورده است، یعنی بدون هیچ گناهی و اگر در این مسیر جان خودش را از دست بدهد، «دخل الجنة بغير حساب» بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌شود.

برای چند صنف این تعبیر را داریم که «دخل الجنة بغير حساب»، برای شهید، برای صابران و چند صنف دیگر، یکی نیز کسی است که در راه قضاء نیاز حاجت برادر مسلمان جان خودش را از دست می‌دهد، او هم بدون حساب وارد بهشت و جنت می‌شود. همچنین رسول خدا(ص) می‌فرماید: «من مشى فى حاجةٍ أخيه ساعةٍ من ليلٍ أو نهارٍ، قضاها أو لم يقضها، كان خيرا له من اعتكاف شهرين»<sup>۱</sup> کسی که در طول شبانه روز یک بخشی را برای برآورده شدن حاجت برادر دینی خودش قدم بردارد چه به نتیجه برسد و چه نرسد این به اندازه بیش از دو ماه اعتکاف پشت سر هم ارزش دارد و دارای ثواب است.

در روایت دیگری شیخ صدوق از قول رسول خدا(ص) می‌فرماید: «مَنْ مَشَى فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَ مَنَّفَعَهُ فَلَهُ ثَوَابُ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۲</sup>؛ کدام مکتب اینگونه پیوندهای اجتماعی را می‌تواند تقویت کند؟ اینجا دیگر بحث نیاز به معنای متعارف نیست، این اعم است، می‌گوید کسی که در راه کمک کردن به برادر دینی و منفعت او به معنای عام، ولو حاجتی نبوده، حرکت کند ثواب مجاهدان در راه خدا نصیب او می‌شود. این واقعا عجیب است.

ما در مورد طلب علم هم این مطلب را داریم، واقعا ما گاهی به اهمیت کارهای خودمان واقف نیستیم، همین صبح به صبح که انسان از خانه بیرون می‌آید برای شرکت در درس و بر می‌گردد چه اندازه ارزش دارد، ولی واقعا باید برای طلب العلم باشد.

رسول خدا می‌فرماید «مَنْ مَشَى فِي طَلَبِ الْعِلْمِ خُطُوبَيْنِ وَ جَلَسَ عِنْدَ الْعَالِمِ سَاعَتَيْنِ وَ سَمِعَ مِنْهُ كَلِمَتَيْنِ اعْتَبَأَ اللَّهُ جَنَّتَيْنِ كُلِّ جَنَّةٍ قَدْرُ الدُّنْيَا مَرَّتَيْنِ»<sup>۳</sup> این کار عادی و معمولی که صبح به صبح با کسالت و تنبلی و خستگی و با گلگی از خودمان و دیگران، بیرون می‌آییم تا برگردیم، می‌فرماید کسی که در راه آموختن دو قدم بردارد و دو ساعت نزد عالم بنشیند و دو کلمه از او بشنود، خداوند دو بهشت به او عطاء خواهد کرد که هر بهشت به اندازه دو برابر کل دنیا است. «كل جنّة قدر الدنيا مرتين»، ما واقعا این پاداش‌ها و جوایز را نادیده می‌گیریم و خودمان و ذهنمان و فکرمان جای دیگری مشغول می‌شود.

«والحمد لله رب العالمين»

<sup>۱</sup> جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۸.

<sup>۲</sup> ثواب الاعمال، ص ۲۸۸.

<sup>۳</sup> ارشاد القلوب، ص ۱۹۵.